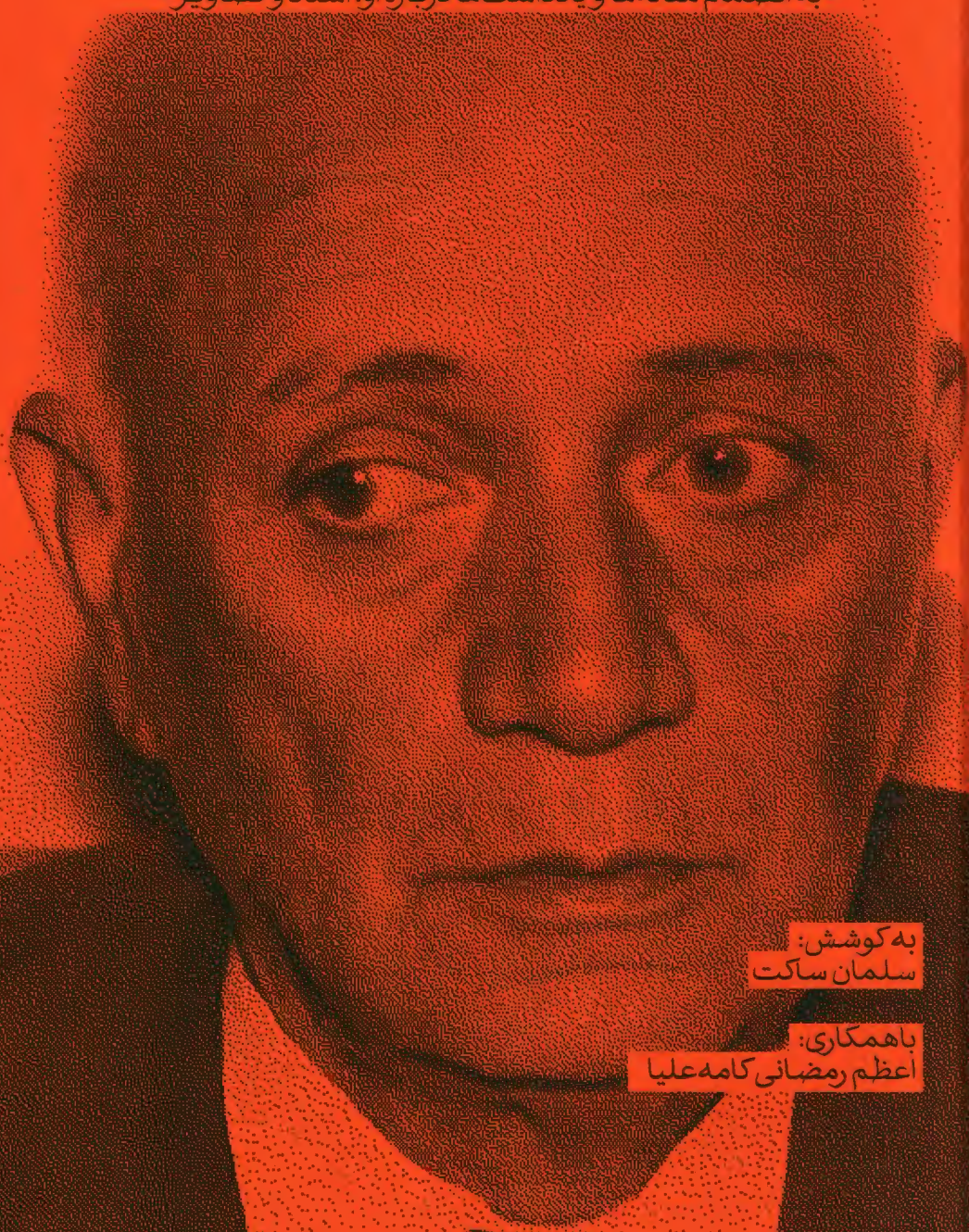


کارنامه فیاض

مجموعه آثار دکتر علی اکبر فیاض

• به انضمام مقاله‌ها و یادداشت‌ها درباره او، اسناد و تصاویر •



به کوشش:
سلمان ساکت

با همکاری:
اعظم رمضانی کامه‌علیا

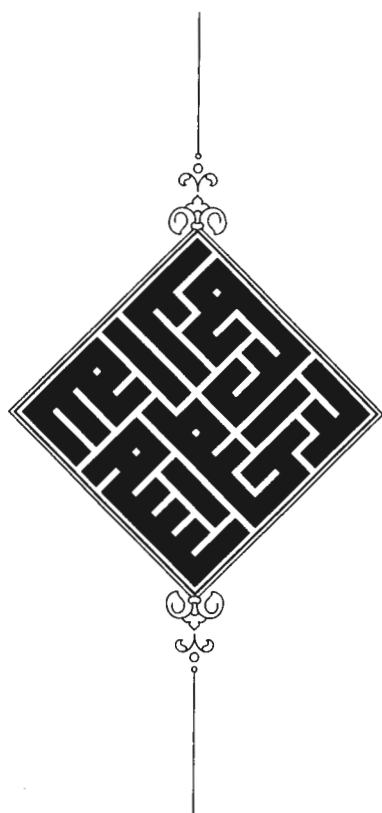
قم، خیابان دورشهر، خیابان سمیه، پلاک ۱۵	انتشارات ادبیات
کد پستی: ۳۷۱۵۸ / ۱۵۹۳۱	تیراژ: ۱۹
تلف: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۱	
نمابر: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۲	

۱۴۰۲

کارنامه فیاض جامع‌ترین کتابی است که تاکنون درباره دکتر علی اکبر فیاض، بنیان‌گذار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد و مصحح تاریخ بیهقی منتشر شده است. این اثر نه تنها دربردارنده شرح زندگی و خدمات دکتر فیاض و سال‌شمار و کتاب‌شناسی آثار ایشان است که تمام آثار استاد را در شش بخش مقاله‌ها، ترجمه‌ها، مقدمه‌ها، نامه‌ها، سروده‌ها و سخنرانیها در خود جای داده است. افزون بر این، هر آنچه درباره دکتر فیاض و پیشینه خانوادگی و ویژگیهای علمی و اخلاقی او به رشته تحریر درآمده، در این کتاب گردآوری شده است. بخش پایانی کتاب شامل اسناد و تصاویر مرتبط با دکتر فیاض است که بسیاری از آنها برای نخستین بار منتشر می‌شوند.



9 786229 723142





۱۴۰۲

- سرشناسه: ساکت، سلمان، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور: کارنامه فیاض/ به کوشش سلمان ساکت.
مشخصات نشر: قم: انتشارات ادبیات، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۸۲۳ ص.: مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۱-۴-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه
موضوع: فیاض، علی اکبر، ۱۲۷۷-۱۳۵۰.
موضوع: نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
Authors, Iranian -- 20th century -- Biography
رده بندی کنگره: PIR۸۱۶۹
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰۱۶۷۴



کارنامه فیاض

مجموعه آثار دکتر علی اکبر فیاض

• به انضمام مقاله‌ها و یادداشت‌ها درباره او، اسناد و تصاویر •

به کوشش:

سلمان ساکت

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

با همکاری:

اعظم رمضانی کامه‌علیا



کارنامه فیاض

مجموعه آثار دکتر علی اکبر فیاض
به انضمام مقاله ها و یادداشت ها درباره او،
اسناد و تصاویر

به کوشش: سلمان ساکت
(عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)

با همکاری: اعظم رضائی کامه علیا

ناشر: نشر ادبیات
امور هنری: استودیو هاما
نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۲
چاپ و صحافی: چاپخانه بوستان کتاب
شمارگان: ۲۰۰ نسخه قیمت: ۸۰۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۱-۴-۲

حق چاپ و انتشار مخصوص و محفوظ نشر ادبیات است
نشر الکترونیکی ابر بدون کسب اجازه کتبی از نشر ادبیات ممنوع است

قم، خیابان دورشهر، خیابان سمیه، پلاک ۱۵
نشر ادبیات
کدپستی: ۳۷۱۵۸ / ۱۵۹۳۱
تلفن و نمابر: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۱
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۹۹۰۱
erad1364@gmail.com

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، شماره ۳۳، پخش دوستان

مرکز فروش

تهران: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، کتابفروشی توس

فهرست

۱	پیشگفتار
۹	مقدمه
۲۷	سال شمار
۲۹	کتاب شناسی آثار
۳۳	آثار دکتر فیاض
۳۵	مقاله ها
۳۷	ذخایر ادبی
۴۵	رابرت عمومی دانشسرای مقدماتی ذکور مشهد نیمه دوم سال ۱۴-۱۳۱۳
۵۵	نثر بیهقی
۶۱	فهرست مجموعه گارت
۶۵	دورنمای نقد ادبی
۷۴	شعر فارسی
۸۴	تحولات تاریخ ملل و نحل
۸۹	قدیم ترین کتاب در کتابخانه آستانه رضوی
۹۲	احرار پارس؛ چگونه عده ای زندانی، یمن را فتح کردند؟
۹۶	گزنغن در بازگشت
۱۱۶	ادب شوروی
۱۳۱	لوسی یین
۱۴۲	ادبیات و زندگی
۱۴۹	ابومسلم خراسانی
۱۷۴	الارتباط بین اللغة الفارسیة و العربیة
۱۷۸	شعر امروز خراسان
۱۸۹	نقش معلم در درس زبان و ادبیات
۱۹۴	لطایف الطوائف
۱۹۸	خبری از مشهد هزار سال پیش

نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی	۲۱۰
خیر مقدم به میهمانان لبنانی	۲۲۱
آشنایی دنیا با ابن بطوطه و کتاب او	۲۲۳
ترجمه‌ها	۲۲۹
پیرن، معلّم سفسطه و همسایه	۲۳۱
مکتوب یک نفر انتیک باز	۲۳۴
تابوت ساز	۲۳۶
مرگ شاعر	۲۴۳
مقدمه‌ها	۲۴۷
مقدمه کتاب تاریخ اسلام	۲۴۹
مقدمه کتاب تاریخ اسلام (چاپ سوم)	۲۵۲
مقدمه بر کتاب بحثی در تصوف	۲۵۶
مقدمه بر دیوان ظهیر فاریابی	۲۶۳
مقدمه بر کتاب المصادر زوزنی	۲۶۵
تقریظ بر کتاب المظاهر الالهیه	۲۶۸
مقدمه بر کتاب شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا	۲۷۰
میرهادی ربّانی شاعری که کهنه و نور درهم آمیخته (مقدمه بر دیوان اشعار میرهادی ربّانی)	۲۷۳
تقریظ بر کتاب داستان غدیر	۲۷۶
مقدمه بر کتاب مزارات خراسان	۲۷۸
مقدمه بر کتاب نوای آگاهی	۲۸۱
نامه‌ها	۲۸۵
نامه‌ها به دکتر قاسم غنی	۲۸۷
نامه‌ها به دکتر غلامحسین یوسفی	۲۹۳
نامه به تقی بینش	۳۰۲
نامه به حسین خدیوچم	۳۰۴
نامه به محمّدعلی فرجاد	۳۰۵
نامه به علی اصغر عدالت	۳۰۷
نامه‌ها به دانشگاه مشهد	۳۰۸
نامه به وزارت فرهنگ	۳۱۰
نامشخص	۳۱۲
سروده‌ها	۳۱۹
زال بلخ	۳۲۱
بهترین خاطره	۳۲۱
دوزخ جنگ (در جنگ جهانی دوم)	۳۲۲
غزل آقای میرزا علی اکبر شهیدی (مرحوم دکتر فتیاض)	۳۲۳
در رثاء ادیب پیشاوری	۳۲۳

سخنرانیها ۳۲۵

- شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران (سخنرانیهای دکتر علی اکبر فیاض در قاهره) ۳۲۷
- الف) سخنرانیهای ادبی ۳۳۱
۱. آغاز شعر پارسی ۳۳۱
۲. شعر رزمی (حماسی) ۳۴۵
۳. شعر داستانی پارسی ۳۶۲
۴. شعر غزلی پارسی ۳۷۹
۵. تصوف در شعر پارسی ۳۹۳
۶. معیارهای نقد در شعر پارسی ۴۰۹

ب) سخنرانیهای تاریخی ۴۲۷

۱. زندگی سیاسی و اجتماعی ایران به هنگام فتح اسلامی ۴۲۷
۲. وضع دینی در ایران ۴۴۰
۳. زندگی علمی در ایران ۴۵۹
۴. هنر در ایران ۴۸۱

دربارهٔ دکتر علی اکبر فیاض ۴۹۹

- شرح حال نواب تولیت عظمی آستان قدس رضوی / مهدی ولایی ۵۰۱
- تصویری از استاد فیاض / دکتر غلامحسین یوسفی ۵۰۵
- زندگی و آثار شادروان دکتر علی اکبر فیاض / دکتر غلامحسین یوسفی ۵۱۳
- دو جلسه از انجمن ادبی خراسان؛ یادی از دانشمند فقید، مرحوم دکتر فیاض (سید علی اکبر شهیدی ثقة الاسلام) / سید عبدالله ستار ۵۱۸
- یادداشت‌هایی بر تاریخ بیهقی / دکتر احمد مهدوی دامغانی ۵۲۲
- دکتر فیاض، فرزانه‌ای که بسیار می‌دانست و دریغاً که کم می‌نوشت / دکتر تقی وحیدیان کامیار ۵۲۸
- دکتر قاسم غنی و دکتر علی اکبر فیاض؛ همکاری در تصحیح تاریخ بیهقی / سید حسن امین ۵۳۱
- ز گهواره تا گور / عبدالمجید مجید فیاض ۵۳۵
- نمونهٔ دانش و فضیلت / علی باقرزاده (بقا) ۵۴۰
- گزارشی فاخر از تاریخ اسلام (بررسی کتاب «تاریخ اسلام» اثر زنده یاد دکتر علی اکبر فیاض) / دکتر عبد الرحیم قنات ۵۴۵

یادبودها ۵۷۳

- مرگ استاد فیاض / حسین محمودی ۵۷۵
- یادی از استاد فیاض / تقی بینش ۵۷۷
- ماده تاریخ درگذشت استاد فیاض / غلامرضا قدسی ۵۸۶
- در سوگ ادب / حبیب‌الله بی‌گناه ۵۸۷
- دو خاطره از استاد فیاض / محمدرضا اظهري ۵۸۸
- مرگ دکتر فیاض / پارسا توبسرکانی ۵۹۰

- شمع فروزان فتیاض هم ناگهان فرومرد / حسین خدیو جم ۵۹۴
- وفات دکتر علی اکبر فتیاض / ایرج افشار ۵۹۶
- یادی از دکتر فتیاض / غلامرضا زین چیان ۵۹۸
- درگذشت استاد فتیاض ۶۰۱

شب بخارا ۶۰۳

- گزارش شب علی اکبر فتیاض ۶۰۵
- دکتر فتیاض و سنت شاگردپروری / دکتر مهدی نوریان ۶۰۶
- علی اکبر فتیاض، دانشمندی بنیانگذار / دکتر محمدجعفر یاحقی ۶۱۱
- گزارشی از سخنرانیهای دکتر علی اکبر فتیاض در مصر / محمدحسین ساکت ۶۲۶
- فتیاض در دانشگاه مشهد / دکتر سلمان ساکت ۶۳۳
- تاریخ بیهقی و دانشگاه مشهد / دکتر سلمان ساکت ۶۴۲

پیوست ۶۵۳

- ترجمه مقاله «فتیاض، علی اکبر مجیدی» در ایرانیکا / دکتر جلال متینی ۶۵۵
- مقاله «فتیاض، علی اکبر» در دانشنامه زبان و ادب فارسی / دکتر محمدجعفر یاحقی ۶۵۷

اسناد ۶۶۳

تصاویر ۷۵۱

نمایه ۷۷۵

- نامها ۷۷۷
- جایها ۷۹۷
- کتابها و مجلات و روزنامه ها ۸۰۴
- گروهها، طایفه ها، قبیله ها و فرقه ها ۸۱۲
- لقبها و نسبتها ۸۱۵

پیشگفتار

دکتر علی اکبر فیاض یکی از بنام‌ترین چهره‌های علمی و فرهنگی خراسان در یک صد سال اخیر است. او به‌رغم عمر کوتاهش که تنها اندکی بیش از شش دهه بوده است، تأثیری شگرف در تأسیس و بنیانگذاری نهادهای علمی و فرهنگی در خراسان بویژه مشهد داشته و در بالندگی آنها نقشی سترگ ایفا کرده است، تا آنجا که دل‌بستگان فرهنگ و ادب خراسان همواره او را به‌مثابه ستونی استوار و پشتوانه‌ای محکم در گسترش علم و فرهنگ و ادب در این خطهٔ زرخیز از ایران عزیز دانسته‌اند. با این همه، اطلاعات و آگاهی‌های ما دربارهٔ او بسیار اندک و اغلب مبتنی بر یکی دو نوشتهٔ کوتاه است که پس از درگذشتش به رشتهٔ تحریر درآمده است. گویی «حجاب معاصرت» که بر چهرهٔ بسیاری از مفاخر و نامداران هم‌روزگار ما کشیده شده، او را حتی بیش از همگنان و هم‌ترازشان دربر گرفته است.

اگرچه آشنایی من با دکتر فیاض به روزگار نوجوانی و حدود سه دههٔ پیش بازمی‌گردد، اما از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ که مسئولیت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد را بر عهده گرفتم و درصدد جمع‌آوری اسناد و مدارک و عکسهای قدیمی این دانشگاه پُرافتخار و بزرگان و نامداران آن برآمدم، نام دکتر فیاض به سبب نقش آفرینی انکارناپذیرش در تأسیس دو دانشکدهٔ ادبیات و الهیات، همواره در ذهن و ضمیرم جلوه و نمودی دیگرگون داشته است. افزون بر این، آشنایی با زیر و بم زندگی او و کوشش و همت بی‌مانندش، مرا بیش از گذشته شیفته و دل‌بستهٔ او کرده است. از این رو، بارها با خود اندیشیده بودم که برای شناختن و شناساندن بیشتر و بهتر او باید کاری کرد تا بویژه نسل جوان، زندگی و سرگذشت او را که سرشار از کوشایی، بلندهمتی، دوران‌دیشی و همه‌جانبه‌نگری بوده است، همچون الگویی ارزنده و سرمشقی آموزنده فراوری خود قرار دهند.

پیش از این درباره دکتر فیاض بزرگداشت‌هایی برگزار شده و کتابها و مقاله‌هایی انتشار یافته است که گزارش تفصیلی آنها در مقدمه آمده است. در این میان چه بسا مهم‌ترین و اثرگذارترین آنها، «شب علی اکبر فیاض» بوده است که روز دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۷ به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و با همکاری مجله فرهنگی بخارا در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد و بعد از مدتی، گزارش مفصل و گسترده آن، همراه با متن سخنرانیهای ایراد شده در شماره ۱۳۳ مجله بخارا به طبع رسید.

تا آنجا که می‌دانیم درباره شخصیت و آثار دکتر فیاض، گذشته از مقالاتی که انتشار یافته و سخنرانیهایی که ایراد شده است، چهار کتاب منتشر شده که به ترتیب عبارتند از: شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران (مشهد، ۱۳۵۶)، چشمه فیاض (مشهد، ۱۳۸۳)، زندگانی ابومسلم خراسانی (مشهد، ۱۳۹۵) و علی اکبر فیاض (تهران، ۱۴۰۰).

کتاب شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران ترجمه سخنرانیهای ده‌گانه دکتر فیاض در دانشکده ادبیات دانشگاه فاروق اول مصر است که صورت اصلی و تازی آن در سال ۱۹۵۰م. در اسکندریه با عنوان محاضرات عن الشعر الفارسی والحضارة الاسلامیه فی ایران به طبع رسیده بود. محمدحسین ساکت که از سال ۱۳۴۹ش. با اجازه استاد، ترجمه این کتاب را آغاز کرده و برگردان نخستین سخنرانی را با نام «آغاز شعر پارسی» چند روز بعد از درگذشت دکتر فیاض در ماهنامه وحید به چاپ رسانده بود، بعدها در سال ۱۳۵۶ ترجمه همه آنها را یک‌جا در مشهد منتشر کرد.

چشمه فیاض گزیده‌ای است از آثار دکتر فیاض که به کوشش زنده‌یاد محمد عظیمی گردآوری و با مقدمه دکتر محمدجعفر یاحقی از سوی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است. این اثر همان‌طور که گردآورنده آن هم اذعان کرده، ناقص است و تمام آثار دکتر فیاض را دربر نمی‌گیرد. بویژه آنکه دکتر فیاض در جوانی با نام «علی اکبر شهیدی» شهرت داشته و آثار خود را به این نام منتشر می‌کرده است و این، نکته‌ای بوده که تا امروز از چشم بسیاری دور مانده است. بنابراین برخی از آثار دوران جوانی دکتر فیاض، اصلاً به نام او و در کارنامه او منظور نشده است.

کتاب زندگانی ابومسلم خراسانی که به اهتمام محمد باقری فراهم آمده است، در اصل بازچاپ هشت مقاله ای است که دکتر فیاض در فاصله سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ درباره ابومسلم خراسانی در نشریه فرهنگ خراسان منتشر کرده است. علاوه بر این، بخش کوتاهی از کتاب تاریخ اسلام دکتر فیاض که به زندگانی ابومسلم در عصر عباسیان تا مرگ وی اختصاص یافته، در پایان زیر عنوان «ضمیمه» افزوده شده است. گردآورنده این اثر در مقدمه نوشته است که گذشته از «اصلاح و ویرایش صوری مقالات»، کلمات و عباراتی را که در متن افتاده بوده، داخل قلاب افزوده و اشتباهات فاحش تاریخی را تذکر داده است. او کار اصلی خود را در این اثر، افزودن «ارجاعات کتاب» دانسته چرا که دکتر فیاض در مقالات خود به هیچ مأخذ و منبعی ارجاع نداده است.

کتاب علی اکبر فیاض شماره ۲۶ از مجموعه «شخصیتهای مانا» است که به کوشش دکتر اصغر قائدان و حسین بیات در سال ۱۴۰۰ از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. آن گونه که در یادداشت آغازین کتاب آمده است، «مجموعه پژوهشی «شخصیتهای مانا» با هدف ارائه الگوهای موفق، به زندگی شخصیتهای نیک نامی می پردازد که در عرصه دانش، فرهنگ و سیاست و اجتماع در ایران معاصر زیسته و در گذشته اند.» همچنین تأکید شده است که این مجموعه به سبب احساس ضرورتی که «در پهنه ارائه آثار دقیق و مستند از زندگانی افراد تأثیرگذار پدید آمده است»، فراهم آمده و «برای عموم مخاطبان به ویژه جوانان و دانشگاهیان» تهیه شده است. این کتاب که در نوع خود درخور توجه و بسیار مفید و آموزنده است، از مقدمه و چهار فصل تشکیل شده که عناوین فصول چهارگانه به ترتیب عبارتند از: «مروری اجمالی بر زندگی»، «فعالیت های ادبی، پژوهشی و فرهنگی»، «منشها و مهارتها» و «معرفی، نقد و بررسی آثار».

این چهار کتاب اگرچه هر یک مزئیتهایی دارند و کم و بیش از ارزش و اعتبار برخوردارند، اما اثر حاضر جامع ترین کتابی است که تاکنون درباره دکتر فیاض منتشر شده است. به سخن دیگر، این اثر نه تنها فواید و مزئیتهای آن چهار کتاب را داراست، که کمبودها و کاستیهای آنها را نیز در حد توان جبران کرده است.

کتاب پیش رو از مقدمه و شش بخش تشکیل شده است. مقدمه دربردارنده زندگی و خدمات دکتر فیاض به همراه سال شمار و کتاب شناسی آثار ایشان است.

بخش نخست شامل تمام آثار دکتر فیاض است که در شش قسمت به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. مقاله‌ها: مشتمل بر بیست و یک مقاله به همراه متن خیر مقدم او به میهمانان لبنانی است که قدیمی‌ترین آنها در سال ۱۳۰۵ ش. در مجله دبستان به چاپ رسیده است. در این میان مقاله «ابومسلم خراسانی»، مقاله‌ای مفصل است که در فاصله بهمن ۱۳۳۸ تا آذر ۱۳۴۰ ش. در هشت بخش در نشریه فرهنگ خراسان منتشر شده است. مقاله‌ای نیز به زبان عربی با عنوان «الارتباط بین اللغة الفارسیّة والعربیّة» وجود دارد که در اواخر سال ۱۳۴۱ ش. (شعبان و رمضان ۱۳۸۲ ق.) در مجله العرفان به طبع رسیده است.

مقاله «نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی» هم متن سخنرانی دکتر فیاض در مجلس بزرگداشت بیهقی است که شهریورماه ۱۳۴۹ ش. در دانشگاه مشهد ایراد شده است و بعد از مرگ استاد، علاوه بر انتشار در یادنامه ابوالفضل بیهقی، به جای مقدمه، در آغاز تصحیح ایشان از تاریخ بیهقی نیز به چاپ رسیده است.

۲. ترجمه‌ها: دربرگیرنده ترجمه‌های دکتر فیاض است که قدیمی‌ترین آنها در سال ۱۳۰۵ ش. در مجله دبستان و آخرین آنها در سال ۱۳۲۶ ش. در نشریه پیام نو منتشر شده‌اند.

۳. مقدمه‌ها: این قسمت به مقدمه‌ها و تقریظهای دکتر فیاض بر آثار و سروده‌های دیگران اختصاص یافته است که نخستین آنها، مقدمه او بر کتاب بحثی در تصوف، اثر دکتر قاسم غنی است که در سال ۱۳۳۱ ش. منتشر شده و آخرین آنها، مقدمه بر کتاب نوای آگاهی است که در سال ۱۳۴۸ ش. به چاپ رسیده است. در این بخش، دو مقدمه نسبتاً متفاوت دکتر فیاض بر چاپهای اول (تهران، ۱۳۲۷ ش.) و سوم (مشهد، ۱۳۲۹ ش.) کتاب تاریخ اسلام نیز آمده است.

۴. نامه‌ها: شامل نامه‌های دکتر فیاض به افراد مختلف از جمله دکتر قاسم غنی، محمدتقی بینش، حسین خدیوچم و... است که برخی از آنها برای نخستین بار منتشر می‌شوند. بیشتر نامه‌ها خطاب به دکتر یوسفی است که در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ ش. نوشته شده‌اند، یعنی هنگامی که دکتر فیاض از مشهد به تهران بازگشته و در دانشگاه تهران تدریس می‌کرده است. این نامه‌ها نه تنها از نظر محتوا که از جنبه شناخت سبک نامه‌نگاری دکتر فیاض اهمیت بسزایی دارد.

۵. **سروده‌ها:** دربرگیرنده سروده‌های برجای مانده از دکتر فیاض است. او اگرچه سالها رئیس انجمن ادبی خراسان بود و در بالندگی و شکوفایی آن نقش بسزایی داشت و در انجمنهای ادبی مشهد بویژه انجمن فترخ همواره شرکت می‌کرد، اما ظاهراً به نقد شعر بیش از سرایش آن علاقه و اهتمام داشته، چرا که اشعار بسیار کمی از او باقی مانده که همگی در این بخش گردآوری شده است.

۶. **سخنرانیها:** ویراست تازه ترجمه سخنرانیهای ده‌گانه دکتر فیاض در مصر است که پیشتر در قالب کتابی مستقل در سال ۱۳۵۶ ش. نشر یافته است. این بخش را پدرم، محمدحسین ساکت، از سر لطف و مهر در اختیار من گذاشتند تا با افزوده شدن آنها، مجموعه آثار دکتر فیاض تکمیل گردد و یک جا در کنار هم منتشر شود.

بخش دوم «درباره دکتر علی اکبر فیاض» نام دارد که شامل ده مقاله و یادداشت درباره خاندان وی و نیز در توصیف شخصیت علمی و اخلاقی اوست. بسیاری از مقالات و نوشته‌های این بخش بویژه دو مقاله زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، مهم‌ترین منابع در شناخت پیشینه خانوادگی و ابعاد مختلف زندگی و خدمات علمی و فرهنگی دکتر فیاض است. مقاله پایانی این بخش، نوشته‌ای است به قلم دکتر عبدالرحیم قنوات که به توصیف دقیق و همه‌جانبه کتاب تاریخ اسلام، اثر دکتر فیاض پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن را به تمامی شرح داده است. او این کتاب را «گزارشی فاخر و هنرمندانه از تاریخ اسلام» خوانده که به زعم او «دقت نظر، قلم روان و انصاف علمی» نویسنده، آن را در شمار خواندنی‌ترین کتابهای تاریخ اسلام به زبان فارسی قرار داده است.

بخش سوم که عنوان «یادبودها» بر پیشانی آن نقش بسته است، دربردارنده هشت نوشته کوتاه درباره دکتر فیاض است که پس از درگذشت او در نشریات مختلف منتشر شده است. این مطالب بیشتر دل‌نوشته‌های دوستان و ارادتمندان استاد به همراه خاطراتی خواندنی از ایشان است. در این بخش، دو شعر از دو شاعر بنام خراسانی، غلامرضا قدسی و حبیب‌الله بیگانه نیز آمده که هر دو در رثای دکتر فیاض سروده شده است.

بخش چهارم گزارش «شب علی اکبر فیاض» در دانشگاه فردوسی مشهد و متن سخنرانیهای ایراد شده در این مراسم است که در تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۹۷ به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه و با همکاری مجله بخارا برگزار شده و

صورت کامل سخنرانیهای آن، به همراه مطالبی دیگر در بخشی جداگانه با عنوان «یادنامه علی اکبر فیاض» در شماره ۱۳۳ مجله بخارا (مهر و آبان ۱۳۹۸) منتشر شده است. در این بخش سخنرانی دکتر قنوت نیامده است، چرا که صورت کامل تر سخنرانی ایشان، همان مقاله «گزارشی فاخر از تاریخ اسلام» بوده که در بخش «درباره دکتر علی اکبر فیاض» گنجانده شده است. همچنین مقاله «تاریخ بیهقی و دانشگاه مشهد» از نگارنده، هرچند در شمار سخنرانیهای آن مراسم نبوده، در همین بخش آورده شده است، چرا که از یک سو در آن به نقش دکتر فیاض در برگزاری مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی در شهریورماه ۱۳۴۹ در دانشگاه مشهد اشاره شده و از سوی دیگر، این مقاله در بخش یادنامه علی اکبر فیاض در همان شماره مجله بخارا منتشر شده است.

بخش پنجم با عنوان «پیوست» شامل دو مقاله کوتاه دایرةالمعارفی درباره دکتر فیاض است: یکی ترجمه مقاله «فیاض، علی اکبر مجیدی» در دانشنامه ایرانیکا نوشته دکتر جلال متینی و دیگری مقاله «فیاض، علی اکبر» در دانشنامه زبان و ادب فارسی به قلم دکتر محمدجعفر یاحقی.

بخش ششم و پایانی، اسناد و تصاویر مرتبط با دکتر فیاض است که از مراکز اسنادی مختلف گردآوری شده است، هرچند بیشتر آنها متعلق به مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد است و برای نخستین بار منتشر می شوند. در این بخش بیش از پنجاه سند و حدود چهل عکس انتشار یافته است که اگر تصاویر جلد کتابهای دکتر فیاض و تصاویر جلد کتابهایی که او بر آنها مقدمه نوشته است و نیز دیگر اسناد و تصاویر مربوط به شمار آید، مجموع تعداد آنها بالغ بر ۱۲۰ سند و عکس خواهد بود.

در انتهای کتاب نمایه شامل پنج فهرست نامها، جایها، کتابها و مجلات و روزنامهها، گروهها، قبیلهها، طایفهها و فرقهها، و لقبها و نسبتها آمده است تا پژوهشگران بتوانند هر آنچه را در این کتاب می جویند، به آسانی بیابند. البته باید در نظر داشت که یادداشتهای مترجم در بخش سخنرانیهای دکتر فیاض در نمایه منظور نشده است.

پایان بخش کتاب، «شجره نسب سادات شهیدی مشهد مقدس» است که صورت دوباره ترسیم شده شجرهنامه ای است که در کتاب شجره طیبه، اثر میرزا محمدباقر رضوی (پدر استاد محمدتقی مدرّس رضوی) آمده است. این

شجره‌نامه به خوبی پیوند دکتر فیاض را با خاندان بزرگ شهیدی و اعقاب آنان از جمله خانواده حبیب‌اللهی نشان می‌دهد.

درباره تنظیم و تدوین مطالب هر بخش چند نکته درخور توجه است:

۱. هر مقاله یا مطلب دقیقاً منطبق بر صورت اصلی آن و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی آمده است. با این حال اگر در موارد معدودی، چیزی اضافه شده است، داخل قلاب آورده شده تا کاملاً مشخص و متمایز باشد.

۲. در سرتاسر کتاب هر جا برای توضیحی از علامت ستاره استفاده شده، نشان‌دهنده آن است که آن توضیح از سوی مدوّن اثر افزوده شده، در حالی که هر آنچه توضیح و افزوده دکتر فیاض بوده، با عدد مشخص شده است. تنها استثنا در این باره بخش سخنرانیهای دکتر فیاض است که توضیحات مترجم در این قسمت با عدد نشان داده شده است.

۳. در هر بخش، مطالب به ترتیب تاریخی تنظیم شده است، تنها بخشی که این نظم در آن رعایت نشده، بخش نامه‌هاست که ترتیب آنها بر اساس اهمیت بوده است.

۴. در آغاز هر نوشته / مطلب / سروده، مشخصات کتاب‌شناسی آن به‌طور کامل و دقیق آمده است. همچنین اگر بعدها در جای دیگری بازچاپ شده است، در ادامه به آن هم اشاره شده و مشخصات کتاب‌شناسی آن آمده است.

بدین‌گونه می‌توان ادعا کرد که هر آنچه از دکتر فیاض بر جا مانده و دستیاب است و نیز هر آنچه درباره او نوشته یا گفته شده است و یا در بایگانی مراکز اسنادی مختلف نگهداری می‌شود، در کتاب پیش رو گرد آمده است. از این رو، این اثر را که «کارنامه فیاض» نامیده شده، در اصل باید «شناخت‌نامه دکتر فیاض» دانست.

امیدوارم این اثر که با عشق و کوشش فراوان فراهم آمده است، در نظر دل‌بستگان فرهنگ و ادب ایران زمین، بویژه آنان که دل در گرو نامداران و مفاخر خراسان دارند، مقبول افتد.

در پایان بیش و پیش از هر کس از پدرم، محمدحسین ساکت سپاسگزارم که دست و دل بازانه پذیرفتند تا ویراست تازه کتاب شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران (ترجمه سخنرانیهای دکتر فیاض در مصر) را که برای نشر آماده کرده بودند،

در کنار دیگر آثار دکتر فتیاض در مجموعه پیش رو منتشر شود تا همه آنچه از آن استاد بی‌بدیل به یادگار مانده است، یک جا و در کنار هم در دسترس دوستداران و علاقه‌مندان ایشان قرار گیرد.

از دست‌اندرکاران و کارشناسان صمیمی کتابخانه آستان قدس رضوی بویژه مرکز اسناد آن، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد و کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه نیز سپاسگزارم که در تهیه کتابها، مجلات و برخی از اسناد و عکسها یاریگر و کمک‌کار بوده‌اند.

همچنین از آقایان استاد دکتر مهدی نوریان، دکتر محمود حسن‌آبادی، دکتر بهروز ایمانی، دکتر غلامرضا امیرخانی و خانمها دکتر پرستو کریمی، نسرین مسعودی، مرضیه دبیری و نرگس چمنی هم تشکر می‌کنم که هر یک از سر لطف در به ثمر رسیدن این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند.

کوششها و همراهیهای همکاران خود را در مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه، آقایان جواد راشکی علی‌آباد، مسعود ظریفعلی‌زاده مقدم و خانمها نرگس شاملو، مریم اورعی و فاطمه شیخی ارج می‌نهم و بویژه دلسوزیها و کمکهای بی‌چشم‌داشت خانم سمانه بندگی را قدردانم.

تدوین این مجموعه را از سال ۱۳۹۷ آغاز کردم، اما اگر پیگیریها و یاریهای بی‌دریغ دانشجوی کوشا و دقیق‌النظم، خانم اعظم رضانی نبود، بی‌تردید انتشار آن باز هم به تأخیر می‌افتاد، از او نیز سپاسگزارم که در به انجام رسیدن این اثر و انتشار آن از هیچ کوشش و کمکی فروگذار نکرد.

از جناب اسماعیل مهدوی‌راد، مدیر فرهیخته و فرزانه نشر ادبیات هم قدردانی می‌کنم که با روی گشاده و لطف فراوان، انتشار این اثر را پذیرفتند و با علاقه و اهتمام، مقدمات آن را فراهم کردند. از جناب سعید برزگر نیز کمال تشکر را دارم که صفحه‌آرایی کتاب نتیجه کوشش و سلیقه ایشان است.

مقدمه

نگاهی به زندگی و خدمات استاد دکتر علی اکبر فیاض

علی اکبر شهیدی خراسانی مشهور به علی اکبر فیاض در سال ۱۲۷۷ ش. (۱۳۱۶ ق.) در خانواده‌ای از سادات روحانی مشهد دیده به جهان گشود. او در آغاز به دلیل انتساب به خاندان بزرگ و سرشناس «شهیدی»، «علی اکبر شهیدی» خوانده می‌شد و خود در پایان نوشته‌هایش همین نام را می‌نوشت. چندی بعد با توجه به نام پدرش، سید عبدالمجید ثقة الاسلام، که از مجتهدان بنام روزگار خود و خادم‌باشی آستان قدس رضوی بود،^۱ به «مجیدی فیاض» نامبردار شد و بعدها تنها به «فیاض» شهرت یافت. او قرآن و مقدمات زبان عربی را نزد پدر فراگرفت و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد و با بهره‌بردن از محضر استادان بزرگی چون سید ابوالقاسم ازغندی، میرزا عبدالجواد ادیب

۱. او متولد حدود ۱۲۷۷ ق. و متوفی در ۱۴ رمضان ۱۳۴۱ ق. بوده است (درباره او بنگرید به ولایی، ۱۳۴۳: ۱۰۹-۱۱۱ یا کتاب پیش رو، صص ۵۰۱-۵۰۲). وی که به تندخویی و تعصب شناخته می‌شد، در امر دین با کسی شوخی نداشت، تا آنجا که بر بالای منبر ششلول خود را برمی‌کشید و تهدید می‌کرد که با همین دست و همین ششلول، دشمنان اسلام را به درک واصل خواهد کرد. گویا دو سه سالی مانده به آغاز سده چهارده خورشیدی بوده است که شعری از ملک الشعراء بهار به گوشه قبای ثقة الاسلام برخورد و او نیز آن شاعر آزاداندیش و شیرین سخن را تکفیر کرده بود. ملک الشعراء نیز مدتی از بیم جان متواری شده بود و پس از چندی، با چندین واسطه و وسیله به خدمت ایشان رسیده و عذر خواسته بود، اما جناب ثقة الاسلام عذرخواهی او را نپذیرفته و او را نبخشیده بود. از این رو بهار برای او هجونه‌ای ساخت به مطلع «ای جناب میرزا عبدالمجید از بهر چه / حکم بر کفر من دل ریش محزون داده‌اید؟» که البته تا ایشان زنده بود، جرأت انتشارش را نیافت (مجیدی فیاض، ۱۳۸۹: ۲۶). گفتنی است این قطعه در دیوان بهار (ج ۲، ص ۵۴۱) در بخش «مطایبات، هزلیات و تفتنهای ادبی» با عنوان «قطعه در هجو میرزا عبدالمجید خادم‌باشی» آمده و در آنجا هیچ اشاره‌ای به داستان سرایش شعر و مخاطب آن نشده است.

نیشابوری، حاج محمدعلی فاضل، آقا بزرگ شهیدی و میرزا محمدباقر مدرّس رضوی، علوم عقلی و نقلی و ادبیات فارسی و عربی را به خوبی فراگرفت و در آنها تبخّر یافت. وی مدّتی به جای پدر به خدمت آستان قدس رضوی درآمد و به سمت خادم باشی کشیک اوّل منصوب گردید.

از سال ۱۳۰۷ ش. به سمت دبیر در اداره فرهنگ خراسان استخدام شد و پس از چندی به اشاره محمد ولی خان اسدی، نایب التولیه وقت آستان قدس رضوی، به ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد - که از سوی آستان قدس رضوی بنیان گرفته بود - برگزیده شد که تا سال ۱۳۱۲ ش. این مسئولیت را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۱۴ ش. دانشسرای مقدماتی مشهد را تأسیس کرد و خود ریاست آن را بر عهده گرفت.^۱ در این سالها اتفاقی روی داد که مسیر زندگی او را عوض کرد. روزی رئیس دبیرستان از رفتن او به کلاسی که سالهای قبل در آن درس می‌گفته، ممانعت کرده و گفته بوده است که چون دبیر تازه‌واردی برای آن کلاس انتخاب شده است، او باید در کلاس پایین‌تر درس دهد. وقتی فیاض علت را جویا می‌شود و از «امتیاز» آن دبیر تازه‌وارد نسبت به خود می‌پرسد، پاسخ می‌شنود که آن دبیر تازه‌وارد «لیسانسیه» است و مدرک تحصیلی دارد. این سخن بر فیاض گران می‌آید و او را بر آن می‌دارد تا به رغم پشت سر گذاشتن جوانی و قرار گرفتن در آستانه چهل سالگی، ادامه تحصیل دهد و امتیاز مدرک تحصیلی را به دست آورد.^۲ از این رو در سال ۱۳۱۶ ش. به تهران رفت و پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه و اخذ دیپلم رسمی، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. در این دوران، مدتی در کتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به کتابداری اشتغال داشت. او در سال ۱۳۲۲ ش. به دریافت درجه دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی نائل آمد و

۱. یوسفی، ۱۳۵۰: ۷۱۷ و توپسرکانی، ۱۳۵۰: ۱۰۷۶-۱۰۷۷.

۲. امین، ۱۳۸۴: ۵۰، به نقل از استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. پارسا توپسرکانی روایتی دیگر از این اتفاق به دست داده است. او نوشته است که «پس از سالی چند، وزیر فرهنگ وقت به مشهد رفت و در بازدید از مدرسه شاهرضا، متوجه میزان معلومات رئیس مدرسه و دانش‌آموزان مدرسه گردید و دانست تفاوت فرهنگیان خراسان و فرهنگیان پایتخت از زمین تا آسمان است، از فیاض پرسید مدرک تحصیلی شما چیست؟ فیاض گفت: ادا رکم را می‌خواهید یا مدرک تحصیلی؟ وزیر گفت: مناظ و ملاک، مدرک تحصیلی است. او در پاسخ گفت: مدرک تحصیلی ندارم. جناب وزیر توصیه کرد که همت گمارد و ورق پاره‌ای به دست آورد» (توپسرکانی، ۱۳۵۰: ۱۰۷۸).

پس از مدتی تدریس در دانشگاه، به استادی کرسی ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول (دانشکده الهیات) دانشگاه تهران برگزیده شد.^۱

او از حدود سال ۱۳۱۱ ش. با قاسم غنی، چهره علمی و سیاسی آن روزها، مراوده داشت.^۲ از این رو وقتی به تهران رفت، زیر چتر حمایت او قرار گرفت و تحت تأثیر مستقیم دکتر غنی و یا دست کم به سفارش و پشتیبانی او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم (۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ ش.) به نمایندگی از مردم مشهد به مجلس شورای ملی راه یافت.^۳

فتیاض در تهران با بزرگان ادب و فرهنگ آن روزگار حشر و نشر داشت و برای نمونه، عصر هر پنجشنبه به همراه کسانی چون سعید نفیسی، عباس اقبال، مرتضی مدرس چهاردهی، بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، محمد تقی مدرس رضوی و... در خانه محمد قزوینی حاضر می‌شد و با آنان درباره ادبیات و تاریخ گفتگو می‌کرد.^۴ فتیاض در سال ۱۳۲۷ ش. به پایمردی قاسم غنی که آن زمان سفیر ایران در قاهره بود و به دعوت دانشگاه فاروق اول به اسکندریه مصر رفت و در کنار تدریس زبان و ادبیات فارسی، سلسله کنفرانسهایی درباره «شعر فارسی و تمدن اسلامی در ایران» ایراد کرد. حضور فتیاض در مصر چنان تأثیری بر جای گذاشت که در سال ۱۳۳۰ ش. بار دیگر از او برای تدریس دعوت کردند، اما او به دلیل «کسالت و افسردگی» آن را نپذیرفت.^۵

تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد

فتیاض در سال ۱۳۳۴ ش. با پیگیریها و پافشاریهای علی مؤید ثابتی، سناتور فرهیخته و بانفوذ آن روزهای خراسان، از سوی وزارت فرهنگ مأموریت یافت تا دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد را تأسیس کند. او اندکی بعد از صدور حکم ریاستش در ۱۳ آبان آن سال، به مشهد عزیمت کرد و در آذر همان سال، این دانشکده را با رشته زبان و ادبیات فارسی بنیان نهاد. در اوّل آذرماه ۱۳۳۴ ش. اطلاعیه افتتاح دانشکده ادبیات در روزنامه خراسان منتشر شد که در آن از داوطلبان خواسته شده بود تا برای ثبت نام قطعی از دوم تا نهم آذرماه به محل

۱. یوسفی، ۱۳۵۰: ب: ۷۱۷-۷۱۸.

۲. فتیاض، ۱۳۳۱: ی.

۳. امین، ۱۳۸۴: ۵۲.

۴. حکمت، ۱۳۳۷: ۲۶۷.

۵. غنی، ۱۳۶۷: ۴۸۳/۷.

دانشکده در خیابان جنت مراجعه کنند. همچنین گفته شده بود که شروع کلاسها روز شنبه، ۱۱ آذرماه خواهد بود. بدین ترتیب نخستین کلاس در دانشکده ادبیات، روز شنبه ۱۱ آذرماه ساعت ۸:۳۰ صبح با حضور دکتر فیاض افتتاح شد.^۱

از اینکه فیاض در انتخاب استادان و مدرّسان چه معیارها و ملاکهایی را در نظر داشته یا از چه کسانی مشورت می گرفته است، اطلاع دقیقی نداریم، اما بدیهی است که گروهی از مدّعیان چشم به کرسیهای تدریس در کلاسهای دانشکده نوبنیان دوخته بودند و حتی برخی از آنان با تعدادی واسطه و مشتری توصیه، دکتر فیاض را تحت فشار قرار داده بودند که آنان را برگزیند. اما دکتر فیاض وزن علمی هریک از آنان را یا در تجربه های گذشته یا در مصاحبه های مکرّر سنجیده بود و از این رو آنان را به خوبی می شناخت؛ و مگر می شد از راهی بجز علم و دانش و فضیلت در ذهن و ضمیر چنین مردی نفوذ کرد؟! کسی که خود از دل حوزه های علمیه برآمده، کلاسهای رسمی را از دبستان تا دکترا گذرانده، در تأسیس دانشسرای مقدماتی و مدیریت بزرگترین و بنام ترین دبیرستان آن روزهای مشهد نقش ایفا کرده، و از چنان هوش و ذکاوت و دانش و اعتباری برخوردار بوده که مورد وثوق و اعتماد بزرگ مردی چون ملک الشعراء بهار قرار گرفته و در دوران بیماری، به جای او به کلاسش می رفته^۲ و در یک کلام، گستردگی و ژرفای دانشش، همگان را به اعتراف کشانده بود. به گفته برادرزاده اش، عبدالمجید مجید فیاض، او از چنان سختگیری و هوشیاری و وسواس و دقتی برخوردار بود که مدّعیان «به تنهایی با یکی دو شعر عربی از حفظ خواندن و یا مقاله ای در نشریه ای [چاپ کردن] یا اظهار اطلاعی از گوشه ای از ادب غربی نمی توانستند دکتر فیاض را قانع کنند». آنان چه ادعایی می توانستند بکنند که دکتر فیاض در آن مطالعه ای نکرده یا اطلاعات خوبی نیندوخته باشد. از این رو اندک اندک آنان که خود را در چنین مرتبه و جایگاهی نمی دیدند، بدون آنکه جواب ردی به طور مستقیم شنیده باشند، از درخواست یا توقّع خود پا پس می کشیدند.^۳

۱. ساکت، ۱۳۹۸ الف: ۵۴۳-۵۴۴.

۲. میرانصاری، ۱۳۷۷/۲: ۳۲۷ و ۳۲۸.

۳. مجید فیاض، ۱۳۸۹/۲: ۳۸ و ۴۹ و ساکت، ۱۳۹۸ الف: ۵۴۴-۵۴۶. دکتر محمّد حبیب اللّهی، فرزند ابوالقاسم حبیب اللّهی (نوید)، در مصاحبه با جلال قیامی، خاطره ای درباره دکتر قاسم رسا نقل کرده است که به سختگیری فیاض در انتخاب مدرّسان دانشکده ادبیات مربوط است: «او [= دکتر رسا] یک وقتی آمده بود پیش آقای دکتر فیاض و گفته بود که در دانشکده ادبیات

فیاض از آغازین ماههای تأسیس دانشکده به برگزاری نشستهای پژوهشی و سخنرانیهای علمی اهتمام می‌ورزید و در آن روزگار که «ارتباط با جامعه» و «مسئولیت اجتماعی» به اصطلاحات رایج و البته دست‌فروشد دانشگاهی تبدیل نشده بود، به‌صورت ماهانه جلساتی با حضور و سخنرانی بزرگان و معاریف شهر در محل دبیرستان فروغ با دعوت از همهٔ مردم تشکیل می‌داد. جالب آنکه در این نشستها، علاوه بر سخنرانی و پرسش و پاسخ، فیلمهایی نیز نمایش داده می‌شد.

فیاض به فعالیتهای دانشجویی نیز توجه داشت و تا حد امکان فضا و امکانات لازم را در دانشکده برای انجمنهای ادبی فراهم آورده بود. اعضای این انجمنها نیز در همهٔ برنامه‌های دانشکده از جمله نشستها و سخنرانیهای علمی نقشی بسزایفا می‌کردند، تا آنجا که بخشی از آن جلسات به سخنرانیهای دانشجویی اختصاص می‌یافت. فیاض به دانشجویان مستعد علاقه داشت، اگر دانشجویی را صاحب استعداد و توانایی می‌دید، راه را برای کسب تجربه و شناخته شدن او هموار می‌کرد. برای نمونه، علی شریعتی در یکی از نشستهای علمی که سخنران اصلی آن، علی مؤید ثابتي بوده، در مقام دانشجو از حاضران و سخنرانان سپاسگزاری کرده است و یا در جلسهٔ دیگری، علاوه بر سخنرانی استادان، پوران شریعت‌رضوی یکی از غزل‌های حافظ را خوانده و نتیجهٔ تحقیقات خود را دربارهٔ اندیشهٔ حافظ عرضه کرده است.^۱ افزون بر این، فیاض از دانشجویان مستعد که تواناییهای خاصی داشتند، در امور مختلف دانشکده یاری می‌گرفت و به این طریق از یک سو می‌کوشید تا اوضاع دانشکدهٔ تازه‌تأسیس را سر و سامان دهد و از سوی دیگر زمینه را برای کسب تجربه‌های بیشتر و پیشرفت آنان فراهم کند. برای مثال وقتی محمدرضا شفیعی کدکنی در آزمون ورودی دانشکدهٔ ادبیات قبول شد، دکتر فیاض که او را از پیش می‌شناخت و به دانش و تبخّر او در زبان و ادبیات عرب واقف بود، حکمی شبه‌کارمندی برایش دست و پا کرد و از او خواست تا کتابهای عربی کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات را فهرست کند.^۲

مشهد، درس به من بدهید. ایشان گفته بود که به صرف اینکه شما شعر می‌گویید، ما نمی‌توانیم در دانشکدهٔ ادبیات به شما درس بدهیم؛ شما پزشکید، بروید در دانشکدهٔ پزشکی درس بدهید و همان‌جا استخدام شوید» (قیامی میرحسینی، ۱۳۸۵: ۸۱).

۱. ساکت، ۱۳۹۸ الف: ۵۴۶.

۲. روزنامهٔ خراسان، ۶ آذرماه ۱۳۹۸، ص ۱۱.

فیاض در کنار مسائل علمی و پژوهشی، به سلامت جسم و روح دانشجویان نیز توجه داشت و آن را در اعتلای علمی و پژوهشی دانشجویان مهم می‌دانست. از این رو از همان آغاز تأسیس دانشکده به فراهم آوردن امکانات ورزشی و تشویق دانشجویان به ورزش و تدارک مسابقات ورزشی میان دانشجویان پرداخت. او پس از سه چهار سال، به منظور گسترش امور ورزشی دانشکده و فراهم کردن امکانات بیشتر برای فعالیتهای ورزشی دانشجویی، «سازمان ورزشی دانشکده ادبیات» را بنیان نهاد که هیأت‌های مختلف ورزشی زیر نظر آن برنامه‌ریزی و فعالیت می‌کردند.^۱

فیاض همتی بلند داشت و به آنچه کرده بود و به دست آورده بود، خرسند نمی‌شد. افقهای باز و گشوده‌ای را پیش چشم داشت و همواره در ذهن و ضمیر خود آنها را مرور می‌کرد تا آنجا که هدف اصلی خود را دستیابی به آنها قرار داده بود. برای نمونه، او در شرایطی که تعداد دانشگاهها و تعداد دانشجویان مانند امروز نبود و دانش‌آموختگان همچون روزگار ما دغدغه شغل و معیشت نداشتند، به درستی دریافته بود که دانشجویان علاوه بر علم و دانش باید مهارتهای دیگری نیز بیاموزند تا در آینده آنان را به کار آید. از این رو در مهرماه ۱۳۳۸ش. به خبرنگاری که از فعالیتهای دانشکده ادبیات در سال جاری تحصیلی پرسیده بود، پاسخ داد که در دانشکده ادبیات کلاسهای «روزنامه‌نگاری» و «نمایش» برگزار خواهد شد و مقدمات تشکیل دوره فوق لیسانس نیز فراهم خواهد آمد.^۲ از برگزاری یا برگزار نشدن این کلاسها اطلاعی در دست نیست، دوره فوق لیسانس هم سالها بعد در سال ۱۳۴۹ش. به همت و پیگیری دکتر غلامحسین یوسفی ایجاد شد، اما این همت بلند و فکر گشوده فیاض، نه تنها در روزگار او که در دوره ما نیز به راستی کم نظیر بوده است.

تأسیس دانشکده الهیات دانشگاه مشهد

فیاض به خوبی می‌دانست که رشته‌های مختلف علوم انسانی با یکدیگر مرتبطند و هریک می‌تواند دیگری را غنا بخشد و بارور و بالنده سازد. افزون بر این، او شیفته خراسان بود و به گسترش علم و دانش در این خطه دلبستگی

۱. روزنامه خراسان، ۲۶ آذرماه ۱۳۳۸، ص ۲.

۲. روزنامه خراسان، ۲ مهرماه، ۱۳۳۸، ص ۲.

داشت. بنابراین از همان سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ ش. به فکر تأسیس دانشکده معقول و منقول (یا الهیات) افتاد، البته در این میان مؤید ثابتی هم فکر و همراه او بود. سرانجام با پیگیریهای او و شماری دیگر از علاقه‌مندان علم و فرهنگ، در سال ۱۳۳۷ ش. دانشکده معقول و منقول تأسیس شد و دکتر فیاض همزمان با ریاست دانشکده ادبیات، سرپرستی و تدریس علوم اسلامی آن را بر عهده گرفت. او با اتکا به تجربه‌های موفق خود در تأسیس دانشکده ادبیات و نیز با شناخت کافی از عالمان و دانشمندان حوزوی و غیر حوزوی مشهد، برای تکمیل گروه مدرّسان این دانشکده نوپا و تازه شکل گرفته، علاوه بر معلمان با سابقه و خوشنام، شماری از طلاب جوان و خوش‌آئیه حوزه همچون کاظم مدیرشانه‌چی را به دانشگاه دعوت کرد^۱ که برخی از آنها، بعدها در زمره مفاخر و نامداران کشور به شمار آمدند. بدین ترتیب او همچون دانشکده ادبیات، در راه تأسیس و بالندگی دانشکده معقول و منقول (الهیات) از هیچ کوششی فروگذار نکرد و مانند تجربه نخستین، این بار نیز بنایی نیک و مستحکم بنا نهاد.

آرزوی پیشگامی و پیشتازی خراسان

بلند همتی و گشودگی افقهای ذهنی فیاض، تنها به امور دانشگاهی خلاصه نمی‌شد، بلکه در دیگر مسائل فرهنگی مشهد و خراسان هم آرزوی پیشگامی و پیشتازی داشت. او در مقدمه‌ای که بر کتاب مصادر زوزنی، تصحیح تقی بینش نوشته، به دو نکته مهم اشاره کرده است: یکی خرسندی از ایجاد جنبش علمی و فرهنگی در خراسان به محوریت کسانی چون محمود فرّخ و تقی بینش و دیگر، اظهار رضایت از چاپ و نشر کتابها در مشهد. گویی او می‌خواست مشهد را به یکی از قطبهای مهم فرهنگی کشور تبدیل کند و در این راه، کمک به افراد مستعد و آینده‌دار را وظیفه خود می‌دانست و می‌اندیشید که اگر دست آنان را بگیرد و پرورششان دهد، چه بسا خراسان و مشهد به واسطه آنان، شکوه و اعتبار گذشته خود را بازیابد. از این رو بر آثار تنی چند از پژوهشگران و شاعران مقدمه نوشت و بدین طریق، علاوه بر تشویق آنان، موجبات شهرتشان را فراهم آورد. او درباره ضرورت نشر کتاب در خارج از تهران نوشته است: «نشر کتاب نباید محدود به مرکز کشور باشد، در شهرستانها هم امکاناتی برای این کار

هست و فقط همت و اقدام می‌خواهد. البته در شهرستانها مسائل و اسباب کار بدین‌گونه که در مرکز هست، فراهم نیست ولی ... در هر حال تجربه نشان داده است که هر کاری باید از ناقص شروع بشود تا به کمال برسد، زیرا احتیاج خود عامل بزرگ تکامل است.^۱

دکتر فیاض شیفته و دل‌بسته خراسان بود، از این رو حتی وقتی به تهران بازگشت، از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا فرهنگ و ادب خراسان را به دیگران معرفی کند. برای نمونه او مدت کوتاهی پس از استعفا از ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و عزیمت به تهران، در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۴۳، در تالار موزه ایران باستان، در جمع اعضای انجمن بین‌المللی قلم درباره «شعر و شعرای معاصر خراسان» سخنرانی کرد.^۲

فیاض از جوانی در انجمنهای ادبی مختلف از جمله انجمن ادبی خراسان که در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش. به ریاست سید حسن مشکان طبسی در ساختمان قدیم باغ نادری برگزار می‌شد، انجمن فردوسی و انجمن فتح شرکت می‌کرد. او در احیای انجمن ادبی خراسان در سال ۱۳۳۵ ش. نقش اساسی داشت، تا آنجا که به اصرار اعضا، برای چند دوره ریاست آن را بر عهده گرفت. این انجمن عصر روزهای شنبه، تابستانها در صحن دبیرستان شاهرضا و زمستانها در سالن دبیرستان فروغ برگزار می‌شد.^۳ افزون بر اینها، او در انجمن ادبی ایران - که به ریاست محمدهاشم میرزا ملقب به شیخ‌الرئیس افسر در تهران اداره می‌شد - شرکت می‌کرد و مدتی نیز نائب رئیس انجمن قلم در خراسان بود.^۴ او همچنین از بنیان‌گذاران نشریه آموزش و پرورش خراسان و مشاور عالی هیأت تحریریه آن بود و چندی نیز ریاست هیأت تحریریه مجله نامه آستان قدس را بر عهده داشت و در کمال و بالندگی نشریه فرهنگ خراسان نقش بسزایی ایفا کرد.^۵

۱. فیاض، ۱۳۳۹: چهار.

۲. روزنامه خراسان، ۲۱ فروردین ماه ۱۳۴۳، ص ۸.

۳. باقرزاده، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۴. محمود فتح گفته است که بعد از درگذشت ملک‌الشعراء بهار، این انجمن به «انجمن ادبی بهار» تغییر نام یافت (فتح، ۱۳۵۶: ۲۷۷) اما در صورت جلسه‌های سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ این انجمن که در گنجینه مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد نگهداری می‌شود، از این تغییر نام اثری دیده نمی‌شود.

۴. یوسفی، ۱۳۵۰: ب: ۷۱۹ و تویسرکانی، ۱۳۵۰: ۱۰۸۰.

۵. اظهري، ۱۳۵۰: ۲۱؛ بینش، ۱۳۵۰: ۱۳ و یوسفی، ۱۳۵۰: ب: ۷۱۹.

برخی از ویژگیهای علمی، اخلاقی و رفتاری

فتیاض به رغم سختگیریهای پدر و مخالفتش با آموختن زبانهای فرنگی، از نوجوانی به فراگیری زبان روسی همت گماشت^۱ و در آن به حدی از مهارت رسید که شعرهای روسی را به نظم فارسی درمی آورد.^۲ او بعدها زبان و ادبیات فرانسه را هم به خوبی فراگرفت و علاوه بر آن، از زبانهای انگلیسی، آلمانی و لاتینی در مطالعات خود بهره می برد. همچنین در تهران نزد کشیشی فاضل، زبان یونانی قدیم را نیز آموخت.^۳ وی در اواخر عمر به آموختن زبان چینی هم روی آورده بود، چرا که در تحقیقات خود درباره سرچشمه شعر فارسی و اوزان عروضی آن، می خواست تا فرضیه تأثیرپذیری شعر فارسی از شعر چینی را بررسی کند.^۴ برخی گفته اند که او با زبانهای ژاپنی، ایتالیایی و اسپانیولی هم کم و بیش آشنا بوده است.^۵

فتیاض دانشمندی جامع الاطراف بود، از یک سو در زبان و ادبیات فارسی و عربی و علوم اسلامی و فلسفه و تاریخ و عرفان آگاهیهای عمیق داشت، از سوی دیگر با ادبیات اروپایی آشنا بود و علاوه بر اینها، در حوزه های گوناگون مانند پزشکی، ریاضی، انواع دوربینهای عکاسی، فن چاپ و دهها موضوع دیگر مطالعه کرده و اطلاعات خوبی اندوخته بود. از آنجا که چندین زبان می دانست و کتابهای خارجی زیادی می خواند، به اصول نقد ادبی و اسلوب سنجش سخن احاطه داشت تا آنجا که نقد ادبی را «یکی از زمینه های استعداد و قدرت» وی و او را «یکی از سخن سنجان چیره دست روزگار» می دانستند.^۶

او از جوانی کتابخانه ای غنی و پُر بار برای خود دست و پا کرده بود، تا آنجا که در «گزارش مکتب شاپور» که گزارش جامع مشهد در آغاز سده چهارده خورشیدی است و در سال ۱۳۱۳ ش. فراهم آمده است، یکی از کتابخانه های مهم مشهد بوده که حدود ۱۰۰۰ جلد کتاب به زبانهای فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی داشته است.^۷ فتیاض طی سالهای بعد به غنای این کتابخانه افزود به

۱. مجید فتیاض، ۱۳۸۹: ۲/۴۵.

۲. رک: فتیاض، ۱۳۲۶، ۱۲-۱۴ یا کتاب پیش رو، صص ۲۴۳-۲۴۵.

۳. غنی، ۱۳۶۷: ۷/۵۱۱ و یوسفی، ۱۳۵۰: الف/۷۰۹.

۴. غنی، ۱۳۶۷: ۷/۴۸۲ و نویسگرانی، ۱۳۵۰: ۱۰۸۰.

۵. بینش، ۱۳۵۰: ۱۲ و زرین چیان، ۱۳۵۰: ۶۰۱.

۶. یوسفی، ۱۳۵۰: الف/۷۱۱، افشار، ۱۳۵۰: ۵۹۹ و زرین چیان، ۱۳۵۰: ۹ و ۱۲.

۷. مدرّس رضوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۴.

گونه‌ای که به هنگام مرگ، تعداد کتابهای آن حدود ۳۳۰۰ جلد شامل کتابهای خطی و چاپی و عکسی به زبانهای مختلف بوده است.

دکتر فیاض دوچرخه‌سواری را دوست می‌داشت و گاه با دوستانش تا «قریه گلستان» که از ییلاقات مشهد بود، سوار بر دوچرخه می‌رفت. او همچنین به بازی شطرنج بسیار علاقه داشت و از صاحب‌نظران این رشته در مشهد به شمار می‌آمد. چه بسا انتخاب نام «فرزین» برای پسرش از همین علاقه نشأت گرفته باشد.^۱

فیاض محضری گرم‌وگیرا داشت، خوش‌سخن و فصیح بود و «متین و خراسانی‌وار و محکم و با‌کشش» سخن می‌گفت و به حسن بیان و تقریر شهرت داشت.^۲ با این همه، کم و گزیده می‌نوشت و به تعبیر استاد افشار «آرام‌کار بود و به استحکام آن می‌اندیشید».^۳ گاهی نیز شعر می‌سرود که تعداد اندکی از آنها در کتابها و مجلات باقی مانده است. او به‌طور کلی مشکل‌پسند بود و در نوشتن وسواس داشت^۴ و بیشتر وقت خود را صرف خواندن و اندیشیدن می‌کرد.^۵ از این رو آثار قلمی بسیار کمی از او بر جای مانده است که فهرست کامل آنها در بخش آغازین کتاب پیش رو آمده است.

فیاض دلبسته میز و جاه و مقام نبود، اگر می‌دید که در جایی تأثیرگذاری مورد نظر خود را ندارد، بلافاصله کناره می‌گرفت و به کار خود مشغول می‌شد. برای نمونه او در اواسط سال ۱۳۴۱ ش. وقتی دید که رئیس وقت دانشگاه در امور مربوط به دانشکده معقول و منقول با او مشورت نمی‌کند و خود مستقیماً به تمشیت امور می‌پردازد، در نامه‌ای خطاب به رئیس دانشگاه از او انتقاد کرد و نوشت: «راجع به دانشکده معقول و منقول مشهد چون عمل دانشگاه مشهد تاکنون بر این بوده است که امور آنجا را خود مستقیماً اداره کند و در طی این مدت که سرپرستی آنجا را به نام بنده گذاشته‌اند، مراجعه‌ای به بنده نداشته‌اند مگر به‌ندرت و به این ترتیب پیدا است که احتیاجی به سرپرستی بنده

۱. مجید فیاض، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶ و عظیمی، ۱۳۸۳: ی (مقدمه کتاب چشمه فیاض)؛ نیز رک:

قیامی میرحسینی، ۱۳۷۷: ۲۴۷.

۲. یوسفی، ۱۳۵۰ الف: ۷۱۵؛ افشار، ۱۳۵۰: ۵۹۹ و زرین‌چیان، ۱۳۵۰: ۶۰۱.

۳. افشار، ۱۳۵۰: ۵۹۹.

۴. بینش، ۱۳۵۰: ۱۳.

۵. یوسفی، ۱۳۵۰ الف: ۷۰۹.

نداشته‌اند. بدین جهت بنده سابقاً چند بار به‌طور خصوصی از آقای رئیس سابق دانشگاه استدعا کردم بنده را از این عنوان معاف کنند، ولی مورد قبول واقع نشد. اینک از جناب عالی هم این استدعا را می‌کنم و امیدوارم قبول بفرمایید چون تکلیف مسئولیت دانشکده باید صریحاً معلوم باشد.^۱

او در اواخر سال ۱۳۴۲ ش. از ریاست دانشکده ادبیات هم استعفا کرد و به تهران بازگشت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران، مدیریت گروه ادیان و مذاهب را بر عهده گرفت. او در مدت حضور در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، تاریخ ادبیات فارسی، تاریخ تمدن، تاریخ ایران بعد از اسلام، تاریخ قرون وسطی و ملل و نحل تدریس می‌کرد.^۲

فتیاض سودای در نظر آمدن و مطرح شدن نداشت. بیشتر ترجیح می‌داد در حاشیه باشد و متن را به دیگران واگذار. در سال ۱۳۴۳ ش. مدیران دانشگاه مشهد بر آن می‌شوند تا به پاس خدمات فراوان و بی‌نظیر او، مراسم تقدیری برایش برگزار کنند. در این راستا دکتر ضیاءالدین اسماعیل‌بیگی، رئیس وقت دانشگاه، از وزیر فرهنگ می‌خواهد تا نشان درجه اول دانش یا نشان سپاس یا صدور منشور برای دکتر فتیاض را تصویب و آن را ارسال کند تا در روز مراسم که قرار بود در آبان ماه ۱۳۴۳ برگزار شود، به ایشان اهدا گردد. اما وقتی دکتر فتیاض از این موضوع خبردار شد، در نامه‌ای به دکتر رجایی بخارایی، رئیس وقت دانشکده ادبیات، ضمن تشکر و سپاسگزاری و «تقدیس» نظر او مبنی بر «اصل تقدیر خدمت و تشویق خدمتگزار» نوشت: «اگر خدمتی به دانشکده ادبیات مشهد انجام داده‌ام، ادای وظیفه‌ای بوده است که به عهده داشته‌ام و از لحاظ قدردانی و تشویق برای بنده، همان توجه و رضامندی‌یی که دوستان عزیز ابراز می‌فرمایند... کافی است و حاجت به اقامه مراسمی که خود بنده هم بدان علاقه‌ای ندارم نیست... بنابراین تمنا می‌کنم به دانشگاه مشهد مرقوم بفرمایند که از اقامه آن مراسم صرف نظر می‌شود.»^۳

۱. ساکت، ۱۳۹۸ الف: ۵۴۷ و پرونده پرسنلی دکتر فتیاض، محفوظ در دانشگاه فردوسی مشهد، سند مؤرخ ۱۳۴۱/۵/۷.

۲. یوسفی، ۱۳۵۰ ب: ۷۱۸ و پرونده پرسنلی دکتر فتیاض، محفوظ در دانشگاه فردوسی مشهد، اسناد مؤرخ ۱۳۳۶/۴/۲، ۱۳۳۶/۱۲/۲۹، ۱۳۳۹/۵/۱۶ و ۱۳۴۱/۱۰/۱۱.

۳. پرونده پرسنلی دکتر فتیاض، محفوظ در دانشگاه فردوسی مشهد، سند مؤرخ ۱۳۴۳/۱/۱۶.

بازنستگی و بازگشت به مشهد

فیاض در سال ۱۳۴۶ ش. از دانشگاه تهران بازنشسته شد و به مشهد بازگشت. در سال ۱۳۴۹ ش. با ایجاد دوره فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد، به دعوت دکتر غلامحسین یوسفی، تدریس دروس «سیر عقاید و آراء اسلامی» و «متون نشر فارسی» را بر عهده گرفت. در روزهای ۲۱ تا ۲۵ شهریور همین سال، کنگره بزرگداشت ابوالفضل بیهقی در مشهد به همت و میانداری علمی وی برگزار شد. در روز آخر کنگره، دکتر فیاض که خود ریاست جلسه را بر عهده داشت، قطعنامه کنگره را که بی تردید خود بیشترین نقش را در تدوین آن ایفا کرده بود، قرائت کرد. بازخوانی این قطعنامه، دوراندیشی و ژرف نگری او را بیش از پیش نمایان می سازد و نشان می دهد که او اهداف و اقداماتی را مد نظر داشته که امروز با گذشت بیش از نیم قرن، یا بسیاری از آنها هنوز به اجرا درنیامده است و یا برخی از آنها را کسانی به نام خود و به نشانه خلایقیت و نوآوری خویش به انجام رسانده اند.^۱

فیاض و تاریخ بیهقی

بی تردید مهم ترین اثر فیاض، تصحیح تاریخ بیهقی است که به آن شناخته می شود. جالب آنکه علاقه او به تاریخ بیهقی و اهتمامش به تحقیق درباره آن به دوران تحصیل در دوره دکتری دانشگاه تهران بازمی گردد، چرا که رساله دکتری او درباره این کتاب بوده است. فیاض دو سال بعد از دفاع از رساله خود و اتمام دوره دکتری، در سال ۱۳۲۴ ش. با همکاری دکتر قاسم غنی و به سرمایه وزارت فرهنگ، تاریخ بیهقی را بر اساس دو چاپ کلکته و تهران و همچنین دو نسخه خطی، یکی متعلق به کتابخانه مدرسه فاضلیه مشهد (احتمالاً مورخ قبل از ۱۰۶۷ق.) و دیگری متعلق به کتابخانه مجلس (مورخ ۱۲۶۵ق.) به روش التقاطی تصحیح و منتشر کرد. مقدمه کتاب تنها به امضای فیاض است که گذشته از مشغله های سیاسی و اجرایی غنی، خود دلیل محکمی است بر اینکه فیاض به تنهایی بار اصلی تصحیح متن را به دوش کشیده است. در مقدمه این چاپ، در علت اختصار مقدمه، خواننده را به رساله ای مستقل به نام «بیهقی و تاریخ»

۱. برای آگاهی از مفاد قطعنامه، رک: روزنامه خراسان، ۲۶ شهریورماه ۱۳۴۹، ص ۲ یا ساکت، ۱۳۹۸ ب: ۵۶۴-۵۶۵.

که آماده انتشار بوده، ارجاع می دهد که ظاهراً همان رساله دکتری اش بوده است. از قرار معلوم نسخه دست نویس این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گم شده است.^۱

فیاض پس از انتشار این چاپ، همچنان در پی یافتن نسخه های تاریخ بیهقی بود و تعدادی را هم از گوشه و کنار ایران و جهان برای تصحیح جدید خود فراهم آورده بود. در این فاصله، مقاله «نسخه های خطی تاریخ بیهقی» را که متن سخنرانی اش در مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی (مشهد، ۲۵-۲۱ شهریور ۱۳۴۹ ش.) بود، بر اساس همین دست نویسه های تازه یاب به رشته تحریر درآورد که در یادنامه ابوالفضل بیهقی (ص ۵۱۶-۵۲۹) به چاپ رسید. درگذشت نابهنگام دکتر فیاض سبب شد تا تصحیح جدید او بدون مقدمه و با تعلیقات ناقص، چند ماه بعد از وفاتش، در اواخر سال ۱۳۵۰ منتشر شود و بنا به صلاح دید مسئولان وقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، همان مقاله «نسخه های خطی تاریخ بیهقی» به جای مقدمه در آغاز کتاب قرار گیرد. این اثر بعدها دو بار با افزودن فهرست لغات و ترکیبات در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۷۵ ش. و بار چهارم با حروفچینی تازه و تکمیل فهرست در سال ۱۳۸۳ ش. تجدید چاپ شد.

درگذشت فیاض

دکتر فیاض حدود یک سال بعد از برگزاری مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، در عصر روز سوم شهریورماه ۱۳۵۰ ش. در حالی که تصحیح جدید تاریخ بیهقی را به پایان رسانده بود و مشغول تنظیم و تدوین نهایی مقدمه و تعلیقات بود، به دلیل عارضه سکته مغزی در بیمارستان شاهرضا (امام رضا (ع) امروز) درگذشت. صبح روز بعد، شاگردان و ارادتمندانش پیکر او را از همان بیمارستان تشییع کردند و در حرم رضوی به خاک سپردند.^۲

چند روز بعد از درگذشت فیاض، در هشتم شهریورماه، مجلس بزرگداشتی به پاس خدمات پنجاه ساله او از سوی دانشگاه مشهد در تالار رازی برگزار شد که در آن دکتر عبدالله فریار، رئیس دانشگاه، دکتر محمود رامیار، رئیس دانشکده

۱. یاحقی، ۱۳۹۳: ۵/۱۳۵.

۲. روزنامه خراسان، ۴ شهریورماه ۱۳۵۰، ص ۲.

الهیات، دکتر جلال متینی، رئیس دانشکده ادبیات و دکتر غلامحسین یوسفی درباره زندگی، شخصیت و خدمات و آثار ارزنده او سخنرانی کردند.^۱

روز دهم شهریورماه به مناسبت شب هفتم درگذشت دکتر فیاض، انجمن قلم خراسان، مجلسی در باشگاه دانشگاه با حضور باقر پیرنیا، نایب التولیه و استاندار خراسان برگزار کرد که در آن مراسم، تنی چند از ارادتمندان و علاقه‌مندان او به سخنرانی پرداختند و شاعرانی چون حبیب‌الله بیگناه، غلامرضا قدسی و احمد کمال اشعاری را که در رثای او سروده بودند، قرائت کردند. در این جلسه باقر پیرنیا در پایان سخنرانی خود پیشنهاد داد که یکی از خیابانهای مناسب مشهد به نام آن استاد زنده‌یاد نامگذاری شود.^۲ او یک هفته بعد طی نامه‌ای به شهردار مشهد این درخواست را به صورت مکتوب مطرح کرد و نوشت: «به پاس خدمات ارزنده فرهنگی مرحوم دکتر علی اکبر فیاض شایسته است دستور فرمایید یکی از خیابانهای مشهد به نام آن فقید سعید نامگذاری شود».^۳

حدود سه ماه بعد، در آذرماه ۱۳۵۰ بنا به پیشنهاد شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی و موافقت شورای دانشگاه، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی به نام «فیاض» نامگذاری شد و لوحه‌ای از سنگ مرمر در ابعاد ۷۵×۵۵ سانتی‌متر که روی آن متن زیر به خط نستعلیق نقر شده بود، تهیه و بر پیشانی کتابخانه نصب شد.

کتابخانه فیاض

به پاس خدمات گران قدر شادروان دکتر علی اکبر فیاض

بنیان‌گذار دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد

شهریور ۱۳۵۰

در زمستان همان سال، شماره ۲۸ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به یاد دکتر فیاض و با درج عبارت «یادنامه شادروان دکتر علی اکبر فیاض، بنیان‌گذار دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد» روی جلد آن منتشر شد. در این شماره، دو مقاله معروف دکتر یوسفی با عناوین «تصویری از استاد فیاض» و «زندگی و آثار شادروان دکتر علی اکبر فیاض» انتشار یافت که اولی، متن

۱. روزنامه خراسان، ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۰، ص ۲.

۲. روزنامه خراسان، ۱۲ شهریورماه ۱۳۵۰، ص ۲.

۳. پرونده پرسنلی دکتر فیاض، محفوظ در دانشگاه فردوسی مشهد، سند مورخ ۱۳۵۰/۶/۱۷.

سخنرانی او در مجلس یادبود آن استاد فقید در تالار رازی دانشگاه مشهد در هشتم شهریورماه بود.

از همین زمان پیگیریها برای خرید «کتب کتابخانه شادروان دکتر علی اکبر فیاض» آغاز شده بود که پس از کوششهای فراوان رئیس وقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، دو استاد برجسته کتاب شناس، دکتر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار مأموریت یافتند تا آن کتابها را ارزیابی و قیمت گذاری نمایند که پس از اعلام نظر آنان و تأمین بودجه از سوی دانشگاه، سرانجام در اوایل سال ۱۳۵۲ ش. مجموع آنها که شامل کتابهای خطی، چاپی و عکسی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و روسی بود، خریداری شد و به کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی انتقال یافت.

تا آنجاکه می دانیم تا سی سال بعد، دست کم به صورت رسمی در دانشگاه فردوسی مشهد از دکتر فیاض یادی نمی شود و نامی به میان نمی آید تا اینکه در تابستان ۱۳۸۳ مجموعه ای ناقص از مقالات و یادداشتهای او به کوشش زنده یاد محمد عظیمی، شاعر خوش ذوق و کارمند پیشکسوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردآوری و با نام «چشمه فیاض» منتشر می شود. این اثر آن گونه که از مقدمه آن برمی آید، به اشاره و پیشنهاد مرحوم دکتر تقی وحیدیان کامیار و به پایمردی و پیگیری دکتر محمد جعفر یاحقی فراهم شد و انتشار یافت. کتاب گذشته از کاستی و نقص در استقصای کامل مقالات و یادداشتهای دکتر فیاض، از نظر حروف چینی و صفحه آرایی نیز نامناسب و نادرخور عرضه شد. در پاییز همین سال، چاپ چهارم تاریخ بیهقی تصحیح دکتر فیاض، با حروف چینی جدید و فهرستهای تکمیل شده، به کوشش دکتر یاحقی در سلسله انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد منتشر شد. انتشار این دو کتاب، بهانه ای شد تا در روز سه شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۸۳ «مجلس بزرگداشت دکتر علی اکبر فیاض» در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شود. در این نشست که علاوه بر بزرگداشت دکتر فیاض، از چاپ تازه حروفچینی شده تاریخ بیهقی هم رونمایی می شد، دکتر محمد جعفر یاحقی، شادروان دکتر محمدرضا راشد محصل، زنده یاد محمد عظیمی، استاد مهدی سیدی، مرحوم علی باقرزاده (بقا) و دکتر فرزین مجید فیاض، فرزند استاد، به ایراد سخن پرداختند.

چند سال بعد، در روز دوشنبه، ۱۲ آذرماه ۱۳۹۷ به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد و با همیاری و همراهی مجله بخارا، «شب علی اکبر فیاض» در دانشکده ادبیات و علوم انسانی با شکوه و استقبالی کم نظیر و با سخنرانی دکتر مهدی نوریان، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر عبدالرحیم فنوت، جناب محمدحسین ساکت، جناب رضا موسوی طبری، جناب علی دهباشی و نگارنده (سلمان ساکت) برگزار شد که گزارش آن همراه با متن سخنرانیها در شماره ۱۳۳ مجله بخارا (مهر و آبان ۱۳۹۸) انتشار یافت.

چندی بعد در ۱۷ دی ماه ۱۳۹۷ با پیگیری مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه و با همراهی و موافقت شورای اسلامی شهر مشهد یکی از معابر فرعی خیابان باهنر که به کوی دانشگاه شهرت دارد و در ضلع غربی پردیس دانشگاه مشهد واقع است، به نام استاد دکتر علی اکبر فیاض نامگذاری شد^۱ و بدین گونه آنچه باقر پیرنیا، نایب التولیه و استاندار خوشنام خراسان، در مراسم هفتمین روز درگذشت دکتر فیاض مطرح کرده بود، پس از گذشت حدود نیم سده جامه عمل پوشید.

دو سال بعد در دوره همه گیری بیماری کووید ۱۹ که امکان برگزاری فعالیتهای فرهنگی به صورت حضوری به شدت محدود شده بود، مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در چهارم شهریورماه ۱۳۹۹، سومین نشست مجازی از سلسله نشستهای «برخوان تاریخ و فرزاندگی» خود را به پاسداشت چهل و نهمین سالروز درگذشت دکتر علی اکبر فیاض اختصاص داد که در آن دکتر علی اشرف صادقی و جناب محمدحسین ساکت مطالبی درباره زندگی و آثار ماندگار آن استاد فرزانه ارائه کردند.

امروز ۱۲۵ سال از تولد آن استاد فرزانه و ۵۲ سال از درگذشت آن «چشمه فیض» گذشته است، اما یاد و نامش در کنار دیگر مفاخر و بزرگان ایران زمین بویژه نامداران خطه خراسان، همچنان درخشان و تابنده است و آثار ماندگارش - کتابها و مقالاتش از یک سو و دو دانشکده ادبیات و الهیات دانشگاه مشهد از سوی دیگر - چون نگینهایی فروزنده و چشم نواز بر انگشتی تاریخ علمی و فرهنگی معاصر ایران عزیز جلوه گری می کند. راهش پُر رهرو باد.

۱. گفتنی است در این روز، ۱۷ معبر فرعی دیگر هم به نام مفاخر و استادان برجسته دانشگاه فردوسی مشهد نامگذاری شد.

منابع

- اظهري، محمدرضا. (۱۳۵۰). «دو خاطره از استاد فياض». نشریه آموزش و پرورش خراسان. دوره هفتم. ش ۶ و ۷ و ۸. مهر. صص ۲۰-۲۱.
- افشار، ايرج. (۱۳۵۰). «وفات دكتور علي اكبر فياض». راهنمای كتاب. سال چهاردهم. ش ۷ و ۸. مهر و آبان. ۵۹۸-۵۹۹.
- امين، حسن. (۱۳۸۴). «دكتور قاسم غني و دكتور علي اكبر فياض». حافظ. تهران. ش ۱۳. فروردين. صص ۴۹-۵۲.
- باقرزاده، علي. (۱۳۸۷). بيست و يك مقاله. مشهد: سخن گستر.
- بهار، محمدتقي. (۱۳۹۴). ديوان بهار. به اهتمام چهارزاد بهار. تهران: توس.
- بينش، تقی. (۱۳۵۰). «يادی از استاد فياض». نشریه آموزش و پرورش خراسان، دوره هفتم. ش ۶ و ۷ و ۸. مهر. صص ۸-۱۶.
- پرونده پرسنلی علي اكبر فياض محفوظ در دانشگاه فردوسی مشهد.
- تويسركاني، پارسا. (۱۳۵۰). «مرگ دكتور فياض». وحيد. دوره نهم. ش ۷ (پیاپی ۹۴). مهر. ۱۰۷۵-۱۰۸۰.
- حكمت، موسی. (۱۳۳۷). «مدرسی چهاردهی و تذکره تاریخی او». ارمغان. دوره ۲۷. ش ۵ و ۶. مرداد و شهریور. صص ۲۶۵-۲۶۸.
- زرين چيان [در مجله به اشتباه حريرجيان]، غلامرضا. (۱۳۵۰). «يادی از دكتور فياض». راهنمای كتاب. سال چهاردهم. ش ۷ و ۸. مهر و آبان. صص ۵۹۹-۶۰۱.
- ساكت، سلمان. (۱۳۹۸ الف). «فياض در دانشگاه مشهد». بخارا. سال بيست و چهارم. ش ۱۳۳. مهر و آبان. صص ۵۴۲-۵۵۲.
- ساكت، سلمان. (۱۳۹۸ ب)، «تاريخ بيهقي و دانشگاه مشهد». بخارا. سال بيست و چهارم. ش ۱۳۳. مهر و آبان. صص ۵۶۰-۵۷۰.
- روزنامه خراسان. روزنامه محلی استان خراسان.
- عظيمی، محمد. (۱۳۸۳). چشمه فياض. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- غنی، قاسم. (۱۳۶۷). یادداشتهای دكتور قاسم غنی. به كوشش سيروس غنی. تهران: زوار.
- فتح، محمود. (۱۳۵۶). «يادی از انجمنهای ادبی خراسان». یادگارنامه حبیب یغمایی. زیر نظر غلامحسین يوسفی، محمد ابراهيم باستانی پاریزی و ايرج افشار. تهران: توس. صص ۲۷۱-۲۷۸.
- فياض، علي اكبر. (۱۳۲۶). «مرگ شاعر». پیام نو. سال سوم. شماره هفتم. اردیبهشت. صص ۱۲-۱۴.

- فیاض، علی اکبر. (۱۳۳۱). «دکتر غنی». در مقدمه بحثی در تصوف. تهران: انتشارات مجله یغما.
- فیاض، علی اکبر. (۱۳۳۹). مقدمه بر المصادر روزنی. به کوشش تقی بینش. مشهد: طوس.
- قیامی میرحسینی، جلال. (۱۳۷۷). ده چهره، ده نگاه، کتاب اول. مشهد: خانه آبی.
- قیامی میرحسینی، جلال. (۱۳۸۵). ده چهره، ده نگاه، کتاب دوم. مشهد: خانه آبی.
- معجد فیاض، عبدالمجید. (۱۳۸۹). از باغ قصر تا قصر آرزوها. تهران: کویر.
- مدرّس رضوی و دیگران. (۱۳۸۸). «مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور». تصحیح و توضیح: مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم.
- مدیرشانه چی، کاظم. (۱۳۶۶). «گفتگو با» دکتر کاظم مدیرشانه چی استاد علم الحدیث. کیهان فرهنگی. ش ۴۱. مرداد. ص ۳-۱۲.
- میرانصاری، علی. (۱۳۷۷). اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران (دفتر دوم: ملک الشعراء بهار). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ولایی، مهدی. (۱۳۴۳). «شرح حال نواب تولیت عظمی آستان قدس رضوی». نامه آستان قدس. ش ۱۹. آذر. صص ۱۰۹-۱۱۱.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۳). «فیاض، علی اکبر». دانشنامه زبان و ادب فارسی. زیر نظر اسماعیل سعادت. ج ۵. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۵۰ الف). «تصویری از استاد فیاض». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. شماره چهارم. سال هفتم. زمستان. صص ۷۰۷-۷۱۶.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۵۰ ب). «زندگی و آثار شادروان دکتر علی اکبر فیاض». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. شماره چهارم. سال هفتم. زمستان. صص ۷۱۷-۷۲۳.

سال شمار

- ۱۲۷۷ش (۱۳۱۶ق) تولد در مشهد
- ۱۲۸۳ آغاز تحصیلات حوزوی
- ۱۳۰۷ استخدام در اداره فرهنگ خراسان در سمت دبیر
- ۱۳۱۱/۱۳۱۰ ریاست دبیرستان شاهرضا
- ۱۳۱۴ تأسیس دانشسرای مقدماتی در مشهد و تصدی ریاست آن
- ۱۳۱۶ عزیمت به تهران و گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه
- ۱۳۱۸ نماینده مردم مشهد در دوره دوازدهم مجلس شورای ملی
- ۱۳۱۹ اخذ مدرک لیسانس از دانشسرای عالی
- ۱۳۲۰ نماینده مردم مشهد در دوره سیزدهم مجلس شورای ملی
- ۱۳۲۱ ازدواج با بی بی معصومه رضوی ناظم
- ۱۳۲۲ دریافت مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
- ۱۳۲۲ تولد نخستین فرزند (نوشین)
- ۱۳۲۶ تولد دومین فرزند (فرزین)
- ۱۳۲۷ عزیمت به مصر به دعوت دانشگاه فاروق اول برای تدریس و ایراد سخنرانی
- ۱۳۳۳ شرکت در جشن هزاره ابن سینا
- ۱۳۳۴ تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و تصدی ریاست آن
- ۱۳۳۵ شرکت در کنگره خواجه نصیرالدین طوسی
- ۱۳۳۵ تأسیس انجمن ادبی خراسان و انتخاب وی به ریاست آن
- ۱۳۳۷ تأسیس دانشکده معقول و منقول (الهیات) و تصدی ریاست آن با حفظ سمت ریاست دانشکده ادبیات

- ۱۳۴۱ کناره‌گیری از ریاست دانشکده معقول و منقول دانشگاه مشهد
- ۱۳۴۲ استعفا از ریاست دانشکده ادبیات و بازگشت به تهران
- ۱۳۴۲ مدیریت گروه ادیان و مذاهب دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران
- ۱۳۴۶ بازنشستگی از دانشگاه تهران و بازگشت به مشهد
- ۱۳۴۷ سفر به سوئیس برای معالجه
- ۱۳۴۸-۱۳۴۹ شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی
- ۱۳۴۹ شرکت در مجلس بزرگداشت ابوالفضل بیهقی
- ۱۳۴۹ تدریس در دوره فوق لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد
- ۱۳۵۰ (۴ شهریور) درگذشت به علت سکتۀ مغزی و خاک‌سپاری در حرم رضوی